

جشنواره برلین و نقش هنرمندان و نویسندگان

بهرام رحمانی

Bamdadpress@telia.com

برخورد رژیم‌های به اصطلاح "دمکراتیک و مدافع حقوق بشر" با جمهوری اسلامی، نه براساس حرمت به حقوق و موجودیت انسان، بلکه همواره براساس معاملات و منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی بوده است. این دول "متمدن" برای پیشبرد اهداف غیرانسانی خود، مستقیم و غیرمستقیم رژیم‌های دیکتاتوری را بزرگ می‌کنند تا توجیهی برای افکار عمومی جامعه خود بتراشند.

آخرین سناریو، برای تطهیر رژیم جمهوری اسلامی، اقدام نهادی به نام "خانه فرهنگ‌های جهان" است. "خانه فرهنگ‌های جهان" که یک نهاد فرهنگی آلمانی در شهر برلین است، در معامله‌ای با رژیم جمهوری اسلامی، اقدام به برگزاری جشنواره و نمایشگاه ظاهراً فرهنگی به نام "نزدیک دوردست" کرده است. در کنار این جشنواره، نمایشگاهی نیز دایر شده است که در آن وسایل شخصی خمینی را به نمایش گذاشته‌اند.

قرار است در این جشنواره، تتی چند از هنرمندان ایرانی، هنرنمایی کنند. از جمله عباس معروفی، در کنار نمایشگاه "کلاه، لباده، پاسپورت و عکس" خمینی، داستان خوانی خواهد کرد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، با صدور اطلاعیه‌ای این اقدام مشترک جمهوری اسلامی و خانه فرهنگ‌های جهان را افشا کرده است. کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، یک کانون دمکراتیک است که مهم‌ترین وظیفه‌اش دفاع از آزادی بیان و قلم و حرمت و موجودیت انسانی است. از این رو این کانون، به درستی اقدام چندش‌آور مسئولین "خانه فرهنگ‌های جهان"، افشا و محکوم کرده است.

عباس سماکار، یکی از دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در مطلبی که روز 30 مارس 2004 در سایت‌های اینترنتی منتشر کرده است، درباره عکس‌العمل عباس معروفی، می‌نویسد: "عباس معروفی که قرار است در این مراسم توجیهی جمهوری منحوس اسلامی داستان خوانی کند ادعا کرده است که "نمایشگاه وسایل شخصی خمینی در برلین، حاصل کار چند هنرمند است و مخالفت با نمایش آن، به مثابه مخالفت با آزادی اندیشه و بیان است. و از این رو اعلامیه کانون نویسندگان را نقض آزادی اندیشه و بیان دانسته و به همین دلیل هم از عضویت از کانون نویسندگان استعفا داده است."

معلوم نیست به نمایش گذاشتن وسایل شخصی یک جنایت کار تاریخی، چه ربطی به آزادی اندیشه و بیان دارد؟ همچنین پرسیدنی است، چرا آقای عباس معروفی، در مقابل رژیم آدمکش و تروریست جمهوری اسلامی، که مختاری‌ها و پوینده‌ها را ترور کرد، چنین شهامتی را به خرج نداد؟ عباس معروفی، چه منفعی از به نمایش گذاشتن وسایل شخصی خمینی دارد که این چنین برآشفته می‌شود، اطلاعیه کانون را نقض آزادی بیان و اندیشه قلمداد می‌کند و حتا از عضویت آن استعفا می‌دهد؟ آقای معروفی تا روزی که در ایران بود، مدافع و مبلغ این بود که آقای مهاجرانی، وزیر ارشاد اسلامی، چراغ کانون نویسندگان ایران را روشن کند.

اما هنگامی که وی ساکن آلمان شد، برای انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری پیام تبریک فرستاد. اکنون خاتمی و جناح "دوم خرداد"، مهره‌های سوخته‌ای شده‌اند و عمرشان به پایان رسیده است، لابد جناح دیگری از رژیم که دست پرورده تیم رفسنجانی است خود را برای انتخابات ریاست جمهوری بعد از خاتمی آماده می‌کنند، احتمالاً معروفی‌ها، باید دست به تحرک جدیدی بزنند. معروفی‌ها، شمس الواعظین‌ها، بهنودها، زیبا کلام‌ها که همواره در رکاب این تیم‌ها قلم زده‌اند و بعد از این نیز خواهند زد. بنابراین دفاع معروفی، از نمایش وسایل شخصی خمینی و ربط دادن رندانه آن به آزادی اندیشه و بیان، نمی‌تواند بی‌ربط با تحولات جدید جناح‌های درون رژیم جمهوری اسلامی باشد.

چرا معروفی و هم فکرائش هنگامی که نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، کارگران خاتون آباد کرمان، که خواهان برگشت به کار بودند را به خاک و خون می کشیدند و همچنین مردم معترض شهرهای کردستان، ایذه، فریدون کنار و... را سرکوب و کشتار می کردند، یک اعتراض خشک و خالی هم نکردند و مدافع آزادی بیان، اعتصاب و تشکل آن ها نشدند؟ چرا به تهدید و ارباب معلمان معترض نشدند؟ چرا به دستگیری نویسندگان و بازجویی آن ها که برای شرکت در مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران، تجمع کرده بودند، اعتراض نکردند؟ چرا به دفاع از آزادی اندیشه و بیان کارگران و مردم محروم و تحت ستم و آزادی زندانیان سیاسی برنخاستند؟ اما این چنین در راه به نمایش گذاشتن وسایل شخصی خمینی جان فشانی می کنند و اعتراض اصولی و ضروری کانون نویسندگان ایران (در تبعید) را ناقض "آزادی اندیشه و بیان" می نامد؟! حال این که با این سرعت در دفاع از نمایشگاه وسایل شخصی خمینی، بر علیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) برمی خیزد.

فرض کنیم، "خانه فرهنگ های جهان" جرات این را پیدا می کرد تا وسایل شخصی هیتلر را به نمایش بگذارد و کانون نویسندگان آلمان نیز آن را با صدور اطلاعیه ای افشا کند، لابد عباس معروفی، در حمایت از موزه هیتلر، با این کانون نیز مخالف خواهد بود و کانون نویسندگان آلمان را به نقض آزادی اندیشه و بیان متهم خواهد کرد؟

اما معروفی می داند که رژیم جمهوری اسلامی، مورد نفرت هشتاد درصد جامعه ایران است و بنا به اقرار سردمداران رژیم، در انتخابات مجلس هفتم، تنها 15 درصد از واجدین شرایط در این مضحکه انتخابات شرکت کردند. بنابراین هر جریان و فردی به این رژیم نزدیک شود به همان نسبت نیز از جامعه دور می گردد و مستقیم و غیرمستقیم در سیاست های آن شریک و سهیم می گردد.

تا روزی که کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در سنگر آزادی با رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی مبارزه می کند، مورد حمایت مردم آزادی خواه قرار خواهد گرفت و عمکردهای "نویسندگانی" مانند عباس معروفی ها را در توجیه جنایات جمهوری اسلامی نیز محکوم خواهد کرد.

مسئله نباید گذاشت تهاجم فرهنگی ارتجاعی و وحشیانه جمهوری اسلامی به خارج کشور، توسط نهادهای رنگارنگ دولت های غرب مانند "خانه فرهنگ های جهان" و "عباس معروفی" ها هموار شود. موضع گیری عباس معروفی، بر علیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، نه تنها کم ترین ربطی به آزادی اندیشه و بیان ندارد، بلکه آشکارا دفاع او را از خمینی و رژیم صد هزار اعدام، ضد زن، ضد آزادی و ستم گر به نمایش می گذارد.